



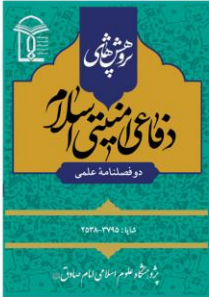
Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 1



## A Comparison of the Rules Governing the Prohibition of Weapons of Mass Destruction in Humanitarian Law and Islam

Sayyid Asghar Jafari\*

Doi: <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159076>

Received: 10/05/2024 - Accepted: 08/07/2024

(80-104)

### Abstract

Weapons are old instruments in the hands of man for defending or attacking. In wars, weapons are used which have been brutal and cruel and have imposed excessive and unnecessary damage to humanity and with these weapons, thousands of innocent humans are killed. This cause those who are concerned about the human community to develop humanitarian rules and regulation in order to reduce the disasters and destructions of wars with the aim of protecting the rights of combatants and civilians. To do so, the most important emphasis of these rules has been on limiting and prohibiting the right of the parties of conflicts in choosing and using some weapons like weapons of mass destruction, an issue which Islam, more than fourteen centuries ago, has paid attention to not only at the level of words and thoughts but also at the level of practice. The present article answers the following question using descriptive-analytical method: What are the rules governing the prohibition of weapons of mass destruction from the viewpoint of Islam and international humanitarian law? The overall conclusion of the present research is that: Islam has emphasize on the prohibition of production and use of weapons of mass destruction more comprehensively and completely.

**Keywords:** Islam, Humanitarian Law, Weapons of Mass Destruction, Environment.

\*. Associate Professor of International Law, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran, Jafari1647@yahoo.com.



## مقایسه قواعد حاکم بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بشردوستانه و اسلام

سید اصغر جعفری\*

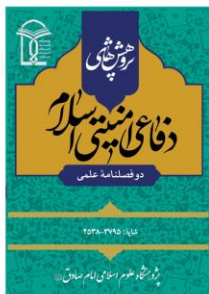
شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159076>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷  
(۸۰-۱۰۴)

### چکیده

سلاح، ابزاری کهن در دست بشر برای دفاع یا تهاجم بوده است. در جنگ‌ها از سلاح‌هایی استفاده شده که وحشیانه و بی‌رحمانه بوده و آسیب‌های بیش از اندازه و غیرلازمی بر بشریت وارد کرده است و با این سلاح‌ها، هزاران انسان بی‌گناه به خاک و خون کشیده شده‌اند. همین موضوع سبب شده دلسوزان جامعه بشری برای کاهش مصائب و ویرانی‌های جنگ، با هدف حمایت از حقوق نظامیان و غیرنظامیان، قواعد و مقررات بشردوستانه‌ای را تدوین نمایند. در این راستا، مهم‌ترین تأکید این قواعد بر محدودیت و ممنوعیت حق طرفین مخاصمه در انتخاب و استفاده از برخی تسلیحات، از جمله سلاح‌های کشتار جمعی بوده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، قواعد حاکم بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی شامل چه مواردی می‌شود؟ نتیجه به دست آمده این است که اسلام بسیار جامع‌تر و کامل‌تر بر ممنوعیت ساخت، تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرده است.

**واژگان کلیدی:** اسلام، حقوق بشردوستانه، سلاح‌های کشتار جمعی، محیط زیست.



## مقدمه

هنگامی که عرصه روابط بین دولت‌ها به دشمنی و روابط خصومت‌آمیز گرایش یافت، جنگ - نمونه بارز این روابط - جای خود را باز می‌کند. در چنین وضعیتی، طرفین تخاصم برای رسیدن به مقاصد خود به انواع تسلیحات با ماهیت‌های متفاوت دست می‌یازند.

از دیرباز تا اواسط قرن نوزدهم، دولت‌ها برای غلبه بر دشمن از سلاح‌های معمولی و ابتدایی استفاده می‌کردند. سلاح هر عصر هماهنگ با دگرگونی دانش بشر در زمینه‌های مختلف تمدن و شهرنشینی بوده است. در واقع، هر کشف علمی در حوزه‌های مختلف علوم بشری، از جمله شیمی، فیزیک، صنعت یا حتی نجوم، پزشکی و روانشناسی، اثری روشن به تحول و تکامل جنگ‌افزارها داشته است. به این ترتیب، همزمان با پیشرفت علم و فناوری، به‌ویژه در سال‌های پایانی نیمه اول قرن بیستم، سلاح‌هایی به وجود آمد که قدرت تخریب و ویرانگری بالایی داشته‌اند، که تحت عنوان «سلاح‌های کشتار جمعی»<sup>۱</sup> نامیده شد. کاربرد این سلاح‌های ویرانگر در جنگ آسیب بیش از اندازه<sup>۲</sup> یا درد و رنج غیر ضروری<sup>۳</sup> و کشته شدن شمار زیادی از انسان‌ها و خسارات فراوان به سازه‌های ساخت بشر و محیط زیست را به دنبال داشت. (جعفری، ۱۳۹۴: ۳۲۶)

آیین اسلام، که آیین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، جنگ را پدیده‌ای تحمیلی می‌شناسد و در صورت وقوع این بلای خانمان‌سوز، به جهت جایگاه والایی که برای بشر و کرامت انسانی او قائل است، رعایت اصول عدالت و اخلاق را در رأس امور قرار می‌دهد و نه تنها - همانند حقوق بشردوستانه بین‌المللی - اصل را بر عدم آزادی عمل در انتخاب و استفاده از هرگونه سلاحی برای پیروز شدن در مخاصمات مسلحانه می‌گذارد بلکه در بخشی از قواعد رزمی بر حذف گونه‌هایی از سلاح‌ها تأکید دارد که شامل بسیاری از سلاح‌های نابودکننده معاصر نیز می‌باشد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳: ۱۷۰)

- 
1. Weapons of Mass Destruction.
  2. Superfluous Injury.
  3. Unnecessary Suffering.

این پژوهش در نظر دارد مهم‌ترین قواعد حاکم بر ممنوعیت برخی از تسلیحات، از جمله سلاح‌های کشتار جمعی، را در کنوانسیون‌های بشردوستانه با آموزه‌های اسلامی با استفاده از منابعی چون قرآن و سیره نبوی و علوی و نیز آرا و عقاید فقها در باب جهاد تبیین و مقایسه نماید، تا اولاً، جامعه بین‌المللی با دیدگاه‌های واقعی اسلام در این باره آشنا شود و ثانیاً، با تبادل آموزه‌های بشردوستانه با پیروان سایر ادیان، زمینه‌های مشترکی برای حمایت و صیانت از کرامت انسانی رزمندگان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه ایجاد گردد.

### ۱. مطالعه نظری پژوهش

در این بخش ابتدا اصطلاحات حقوق بشردوستانه را تعریف و سپس دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل را در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی بیان خواهیم کرد.

#### ۱-۱. تعریف حقوق بشردوستانه

بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مذاهب و مکاتب، فلاسفه و حقوقدانان در طول تاریخ تلاش نموده‌اند با قبول این مسئله که نمی‌توان تضمین‌های کافی برای پیشگیری از جنگ عرضه کرد، حداقل، قواعد و مقرراتی تهیه و تدوین نمایند تا اقدامات غیرانسانی در جنگ، به‌ویژه استفاده از برخی تسلیحات<sup>۱</sup> (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۱۰۱) را محدود یا ممنوع کنند. حاصل این نگرش تدوین «حقوق بین‌المللی بشردوستانه»<sup>۲</sup> بوده است.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجموعه‌ای از قواعد است که در پی محدود کردن آثار مخاصمه است. این شاخه از حقوق بین‌الملل حقوق اشخاصی را که در مخاصمه شرکت نداشته‌اند یا از صحنه نبرد خارج شده‌اند تحت حمایت قرار می‌دهد و ابزار و روش‌های جنگ را محدود می‌نماید. (ICRC, 2004: 1) در واقع، حقوق بشردوستانه بین‌المللی حقوق هدایت رفتار در مخاصمات مسلحانه با نگاهی به کاهش آلام و رنج بشر است. (Dinstein, 2004: 20) بنابراین، حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجموعه مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی - اعم از رزمندگان و

1. Armaments.

2. International Humanitarian Law (IHL).

غیررزمنده (غیرنظامی) - و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه - اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی - تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۶)

### ۱-۲. شناخت سلاح‌های کشتار جمعی

تاکنون هیچ یک از مقررات قراردادی حقوق بین‌الملل تعریفی از سلاح‌های کشتار جمعی ارائه نکرده‌اند و حقوقدانان عمدتاً مصداقی با آن برخورد نموده‌اند. چنان‌که پروفیسور شارل روسو گفته است، این سلاح‌ها بیشتر با ماهیت‌شان معرفی شده‌اند، سلاحی که خاصیت اصلی آن این است که بدون تفکیک و تبعیض عمل می‌کند، یعنی هم نظامیان و هم غیرنظامیان را می‌کشد. (روسو، ۱۳۷۴: ۱۴۱) پروفیسور دیترفلیک نیز سلاح‌های کشتار جمعی را در شمار سلاح‌های ممنوعه قرار داده است و آن را شامل سلاح‌هایی می‌داند که موجب آسیب بسیار گسترده و لطمات غیرضروری می‌شوند. (Fleck, 2009: 704)

حقوقدانان ایرانی نیز در این باره گفته‌اند: «سلاح کشتار جمعی - که در مقابل اصطلاح سلاح‌های متعارف به‌کار می‌رود - شامل سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آنها یاد می‌شود. این نوع سلاح‌ها دارای قدرت تخریب فراوان‌اند و به‌منظور انهدام وسیع به کار می‌روند و دارای آثار مخربی است که نمی‌تواند به اهداف معینی محدود شود.» (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۲) در تعریفی دیگر آمده است: «سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌هایی است که قدرت تخریبی یا انهدامی گسترده، فراگیر، غیر قابل تمایز و وحشتناک دارند. در نتیجه، اهداف آنها را نمی‌توان دقیقاً معین و مشخص و محدود به هدف‌های نظامی یا غیرنظامی، اعم از اموال، تأسیسات و یا انسان‌ها نمود.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۱۱)

### ۱-۳. اسلام و مقررات بشردوستانه

بی‌شک، سخن گفتن از مقررات بشردوستانه از نظر اسلام صرفاً واکنشی انفعالی به بسط حقوق بشردوستانه در دنیا نیست، بلکه بررسی دیدگاه اسلام در زمینه مخاصمات مسلحانه

و ادعای پیشگامی اسلام در وضع قوانین و مقررات بشردوستانه قرن‌ها پیش از آن است که اندیشمندان غرب به این مقوله بیندیشند.

حقوق بشردوستانه در غرب از زمانی شروع شد که گروسیوس کتاب جنگ و صلح را به رشته تحریر درآورد. بدین ترتیب، غرب در حدود قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی وارد مباحثات بشردوستانه شده است. این در حالی است که قدیمی‌ترین اثر تدوین‌شده در این باره در جهان اسلام به هشت قرن پیش از گروسیوس برمی‌گردد، که محمدبن حسن شیبانی کتاب معروف السیر الکبیر را نوشته است که در آن، مباحث صلح و جنگ خصوصاً قواعد و مقررات بشردوستانه به صورت مدون درآمده و مستند شده است، ضمن آنکه بعد از او، کتاب‌های فقهی و «سیر»<sup>۱</sup> این راه را دنبال کردند و همه موارد بشردوستانه در جنگ‌ها و غزوات با جزئیاتی ثبت شده است.

نمونه‌های فراوانی از سیره پیامبر اسلام ﷺ [و نیز امامان معصومین و خلفا] در زمان جنگ وجود دارد که نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه ایشان در تمامی نبردها به ملاحظات انسان‌دوستانه توجه داشت، هرگاه لشکری را به میدان جنگ می‌فرستاد، قبل از اعزام‌شان، آنها را به رعایت اصول انسانی در جنگ موعظه و ارشاد می‌فرمود.

شیبانی در کتاب السیر الصغیر نقل می‌کند: هرگاه پیامبر ﷺ سپاهی را روانه کارزار می‌کرد، فرمانده را به تقوای خدا و رفتار شایسته با همراهانش سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «با نام و در راه او بجنگید ... خیانت نورزید و ناراستی نکنید و کسی را قطعه‌قطعه نسازید و کودکی را نکشید ...» (شیبانی، ۱۹۷۵م: ۹۳)

امام علی علیه السلام نیز، قبل از رویارویی با دشمن در نبرد صفین، توصیه‌هایی را در رعایت اصول انسانی در جنگ به لشکریان خود فرمود:

اگر به اذن خدا [دشمنان] شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن را که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید.

۱. واژه «سیر» به صورت جمع است و مفرد آن «سیره» به معنای حرکت، سلوک و طرز رفتار، خلق و خو و طریقه است. در اصطلاح، شرح حال دوره زندگی پیامبر ﷺ، گفتار و کردار آن‌حضرت، و فرامین وی در دوره جنگ و صلح را گویند.

زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند ... (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۹۵)

این رفتار بشردوستانه امام علی علیه السلام تا بدان حد است که وقتی در جنگ با نهروان بر دشمن غلبه یافتند، دستور دادند مجروحانی را که در میدان نبرد باقی مانده بودند جمع‌آوری و برای مداوا به کوفه برسانند و به خانواده‌هایشان برگردانند. (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۷۸)

بی‌تردید، ارائه این دستورات، آنهم به‌هنگام جنگ، حکایت از حساسیت و نگرشی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای دین به ضرورت رعایت مقررات انسان‌دوستانه در جنگ و مخاصمه داشتند، که نظامیان و رزمندگان را در انتخاب هدف‌ها و روش‌ها آزاد نمی‌نگذاشتند و اصول تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و غیرنظامی، مدارا با اسیران، و مداوای مجروحان دشمن را سرلوحه قوانین و مقررات جنگ قرار می‌دادند.

## ۲. قواعد حاکم بر ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی

براساس دیدگاه اسلام و مقررات بین‌المللی بشردوستانه، مهم‌ترین قواعدی که موجب ممنوعیت تسلیحات کشتار جمعی می‌شود در ادامه ذکر می‌شود.

### ۲-۱. آزاد نبودن دولت‌ها در انتخاب و کاربرد برخی از تسلیحات

مهم‌ترین نکته قابل توجه در زمان جنگ از دیدگاه اسلام این است: هنگامی که ضروری شد که امر دفاع در برابر دشمنان صورت پذیرد، آن ضرورت باید با محدودیت‌هایی مقید گردد، زیرا ضرورت رفتار انسانی با دشمن از قواعد مسلم اسلامی است و اسلام همواره بر آن است تا از میزان سبعیت‌ها و وحشی‌گری‌ها در جنگ کاسته شود. از آنجاکه تسلیحات مهم‌ترین ابزار قدرت دفاعی در صحنه نبرد شمرده می‌شود، به همین لحاظ، مکتب اسلام حق انتخاب و کاربرد برخی از تسلیحات را در منازعات محدود کرده است.

مبنا و معیار عمل به این قاعده برگرفته از آیات شریفه‌ای است که اصل عدالت و انصاف را مورد تأکید قرار می‌دهند، چنان‌که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا (بقره: ۱۹۰)؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، ولی هرگز نباید [در جهاد] از حدود عدالت و انصاف تجاوز کرد و به راه استبداد و ستمگری افتاد.»

این آیه شریفه، با وجود ایجاز و اختصار در عبارت دارای مفاهیمی بلند است و از اطلاق و عموم برخوردار است. لذا، می‌توان مصادیق و موضوعات مختلف و نوپدید را با آن تطبیق نمود. بر همین اساس، فقها و مفسران، در تفسیر و تبیین اعتدال در آیه مبارکه، آن را شامل تعدی و تجاوز از حدود و فرمان الهی در جنگ دانسته‌اند. (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۸-۲۷)

یا اینکه در جای دیگر در همین ارتباط می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى (مانده: ۸)؛ نباید شما را دشمنی گروهی بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.»

به استناد آیات فوق، کاربرد هرگونه سلاح و ابزار جنگی علیه دشمن مجاز نبوده، رزمندگان اسلام از در کاربرد سلاح محدودند.

در منازعات مسلحانه دنیای امروز، متخصصان هدف خود را نابودی کامل طرف مقابل خود قرار می‌دهند. به همین سبب از هر وسیله‌ای برای شکست دادن حریف استفاده نموده، کاربرد هرگونه ابزار و سلاح جنگی را ضد وی مجاز می‌شمارند. اما اسلام به پیروان خود اجازه استفاده از هرگونه سلاحی را ضد دشمن نمی‌دهد. مؤید این دستور الهی رفتار نبی مکرم اسلام ﷺ است، که آن حضرت از اینکه در شهرها و سرزمین مشرکان سم پراکنده شود نهی نموده است.

برای نمونه، امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «نهی النبی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از انداختن سم به شهرهای کفار نهی فرموده است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸)

پیامبر اسلام ﷺ - که پایه‌گذار مکتب فضیلت و انسانیت است - اجازه استفاده از سم به‌عنوان سلاح را به سربازان نداده است، چون سم چیزی است که اگر مورد استفاده قرار گیرد، موجب به خطر افتادن حیات موجودات ذی حیات - اعم از انسان‌ها، حیوانات و حتی گیاهان - می‌شود.

البته، در اینجا سم اصالت ندارد و اسلام به سم نظر خاصی ندارد، بلکه آنچه اصالت دارد این است که نباید مسلمانان در میدان جنگ از سلاح‌هایی استفاده کنند که باعث از بین رفتن مردم غیرنظامی، ویرانی شهرها، آبادانی‌ها و مزارع و بالاخره آسیب و خسارت وارد

شدن بر محیط زیست گردد. آن روز این عمل ضدانسانی به وسیله سم انجام می‌شد و امروز با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی انجام می‌گیرد. بنابراین، اسلام با این نحوه از برخورد که موجب نابودی میلیون‌ها نفوس بشری و محیط طبیعی می‌شود مخالف است.

علاوه بر این، مفاد آیه کریمه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ»، که در مسیر تحقق بخشیدن به اهداف انسان‌دوستانه اسلام قرار دارد، مستلزم طرح و تولید مصادیقی از «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ» می‌باشد که قابل استفاده در رسیدن به اهداف اسلامی جهاد است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۳۳) برای مثال، کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در راستای اهداف جهاد اسلامی نیست، چراکه این‌گونه تسلیحات، پس از پرتاب، غیر قابل کنترل و فاقد قابلیت تفکیک‌اند و در سطح گسترده‌ای، باعث کشتار مردم بی‌گناه، تخریب محیط زیست، و اتلاف اموال و اماکن می‌شود. بر این مبنا است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام، در پیام‌شان به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه در ۲۷ فروردین ۱۳۸۹، بر ممنوعیت انواع سلاح‌های کشتار جمعی تأکید نموده، فرمود:

به اعتقاد ما، افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی، نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران - که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است - بیش از دیگر ملتها خطر تولید و انباشت این‌گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است که همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناى بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم.

این قاعده اساسی بشردوستانه اسلامی - یعنی خارج نشدن از حدود عدالت و انصاف، و گام نگذاشتن به طریق استبداد و ستمگری در منازعات مسلحانه - اگر به زبان امروزی بیان شود، بی‌تردید، نه تنها مقدم بر اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ<sup>۱</sup> و اصل مارتنس<sup>۲</sup> است، که در مقررات

۱. «تنها هدف مشروع و قانونی که دولت‌ها می‌بایست در طی منازعات مسلحانه برای نیل به آن کوشا باشند تضعیف نیروهای نظامی دشمن است.»

۲. شرط مارتنس (The Martens Clause): «تا زمانی که مجموعه کامل تری از قوانین جنگی وضع شود، طرفین معظم متعاهد مقتضی می‌دانند تا اعلام کنند: درباره مواردی که در قواعدی که آنها اقتباس کرده‌اند نمی‌گنجد، ساکنان و قدرت‌های متخاصم تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل باقی می‌مانند؛ این اصول از رسوم رایج در میان مردم متمدن، حقوق انسانیت و ندای وجدان عمومی منتج شده است.»

۱۹۰۷ لاهه و نیز در ماده ۳۵ نخستین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو گنجانیده شده است، بلکه کامل‌تر و جامع‌تر می‌باشد، زیرا قاعده در نظر گرفته شده در پروتکل اخیر<sup>۱</sup> تاحدی مبهم بوده و بیشتر نصیحت‌آمیز جلوه می‌کند تا اینکه یک تعهد الزام‌آور حقوقی باشد و، در نتیجه، طرفین پروتکل را بدان متعهد سازد (Mohaghegh Damad, 2005: 398)، چراکه هیچ منع صریحی را در بر ندارد، ضمن آنکه در خصوص انتخاب وسایل و روش‌های جنگ، طرفین مخاصمه مسلحانه را به هیچ حدود دقیقی محدود نمی‌کند، بلکه صرفاً مقرر می‌دارد که حق انتخاب نامحدود نمی‌باشد. اما قاعده اساسی مندرج در مفهوم اسلامی شامل ممنوعیتی معین و مثبت است و این بیان که هرگز نباید از حدود عدالت و انصاف تجاوز کرد و به راه استبداد و ستمگری افتاد، به صراحت، محدودیت‌هایی را تعریف و تعیین می‌کند. از این رو، قاعده بنیادین مندرج در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه مقدم بر قاعده بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و به مراتب سختگیرانه‌تر و مشخص‌تر از آن است. (Hamid Sultan, 1988)

اینکه گفته شد مسلمانان در جنگ‌ها از جاده عدالت و انصاف خارج نشوند، به این علل است:

اولاً، عدالت و انصاف در اسلام «نزدیک‌ترین عمل به تقوا» است. (ر.ک. مائده: ۸؛

نساء: ۱۳۵)

ثانیاً، عدالت اصیل‌ترین آرمان بشر و فلسفه بعثت انبیا (حدید: ۲۵) و سرشت قانون‌مداری است و هیچ اصلی در زندگی فردی و اجتماعی نمی‌تواند این اصل را نقض نماید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۴۵)

ثالثاً، عدالت به مفهوم هرچیز بهنجار و درست و مطابق شرع الهی است (بوآزار، ۱۳۶۲: ۸۶) و خداوند منان بر اجرای آن تأکید فرموده (شورا: ۱۵) و به مسلمانان نیز تکلیف نموده است که حتی در برابر دشمنان عدالت را رعایت کرده و از ستم پرهیزکنند (مائده: ۸). بنابراین، برای تحقق فرامین الهی (آل عمران: ۱۰۲) و هدایت همه انسان‌ها به سوی سعادت

۱. بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ تصریح می‌کند: «حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب ابزارها و روش‌های جنگی در مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست.»

و کمال واقعی، باید به عدالت و انصاف توجه شود، زیرا معنای حقیقی جهاد هدایت و ساختن انسان‌ها در مسیر سعادت و کمال واقعی است.

## ۲-۲. ممنوعیت ابزارهای جنگی فاقد توان تفکیک

ممنوعیت ابزارهای جنگی فاقد توان تفکیک به این معنا است که جمعیت غیرنظامی به طور کلی و افراد غیرنظامی به طور فردی باید - تا حد ممکن - در حملات مورد توجه و حمایت قرار گیرند. (Fleck, 2009: 134) به سخن دیگر، این تعبیر بیان قاعده‌ای است که به موجب آن، حمله به دشمن بدون تفکیک بین رزمندگان و افراد غیرنظامی ممنوع است. به عقیده آنتونیو کاسسه، این قاعده یکی از مهم‌ترین قواعد تنظیم‌کننده نحوه استفاده از تسلیحات، ابزار و آلات جنگی در مخاصمات مسلحانه است (کاسسه، ۱۳۷۵: ۳۳)، که بر ممنوعیت حملات کورکورانه و غیرقابل تفکیک<sup>۱</sup> تأکید می‌ورزد.

حملات بدون تفکیک یا کورکورانه عبارت‌اند از:

ا. حملاتی که متوجه هدف نظامی خاصی نیستند

ب. حملاتی که در آنها از روش‌ها یا وسایل جنگی‌ای استفاده می‌کنند که امکان هدف‌گیری به سوی هدف نظامی مشخصی نیست؛

ج. حملاتی که در آنها از روش‌ها یا وسایل جنگی‌ای استفاده می‌کنند که امکان محدودیت اثر استفاده از آنها طبق مقررات پروتکل حاضر وجود ندارد.

در نتیجه، در هریک از این قبیل موارد، این حملات از نوعی است که اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی را بدون تفکیک از یکدیگر مورد اصابت قرار می‌دهند. (ماده ۴/۵۱

پروتکل الحاقی<sup>۱</sup>)

با وجود مهم بودن اصل ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان و نیز تفکیک بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی، تا زمان مذاکرات مربوط به پروتکل الحاقی اول (سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۴) مقررۀ خاصی وجود نداشت تا سلاح‌های غیر قابل تفکیک<sup>۲</sup> (یا سلاح

1. The Prohibition of Indiscriminate Warfare.

2. Indiscriminate Weapons.

کورکورانه) را منع نماید. در چنین موقعیتی بود که موضوع اصل تفکیک مورد توجه قرار گرفته و توسعه یافته (Boothby, 2009: 75-76) و آنگاه، موادی از پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ را به خود اختصاص داده است. این پروتکل اشاره دارد که اصل تفکیک مربوط به همه زمان‌ها است و شامل جنگ زمینی، هوایی و دریایی می‌شود (مواد ۴۸، ۴۹، (۳)، ۵۱، (۲)، ۵۲ (۱)، ۵۲ (۲))

در بخشی از ماده ۴۸ آمده است:

طرف‌های مخاصمه باید همواره بین افراد غیرنظامی و رزمندگان و نیز بین اموال و اهداف نظامی تمایز قائل شده و بر این اساس، عملیات خود را فقط متوجه اهداف نظامی نمایند.

اسلام، با اعلام ممنوعیت حمله علیه افراد غیرنظامی (غیرجنگجویان) که نقشی در درگیری‌ها ندارند، اصل حمایت از غیرنظامیان را به‌عنوان یک قاعده مهم در جهاد فی سبیل‌الله پذیرفته و بر آن تأکید نموده است. از این رو، محدود بودن کاربرد تسلیحات و عملیات نظامی علیه نظامیان یکی دیگر از قواعد مهم حاکم بر سلاح‌های جنگی در اسلام است، به این ترتیب که استفاده بدون هدف از سلاح که هم ممکن است به رزمنده متخاصم و هم به غیررزمنده و نیز احتمالاً به اهداف نظامی بدون توجه به اصل تفکیک اصابت کند ممنوع است. بدین منظور، هر رزمنده‌ای با دو تکلیف مواجه است: اول آنکه رزمنده را از غیررزمنده تمیز دهد و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه موضع نظامی را از غیرنظامی تمیز بدهد و در این مورد نیز هدف او حمله به موضع اول باشد. پس، هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را هدف قرار دهد. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۹)

به سخن دیگر، در زمان جنگ، مسلمانان با دو گروه از دشمنان متمایز مواجه می‌باشند، گروه اول افراد نظامی (رزمنده) و کسانی که مستقیماً و به گونه‌ای فعال و مؤثر در عملیات جنگی یا پیشبرد جنگ به نفع دشمن مشارکت دارند، هرچند هم سلاح در دست نداشته باشند، و گروه دوم افرادی که به هیچ‌وجه دخالتی در جنگ ندارند و از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند. گروه دوم به لحاظ اینکه در جنگ شرکت ندارند غیررزمنده شمرده می‌شوند و حقوق آنان محترم است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

محدود بودن عملیات نظامی به رزمندگان و حمایت از غیررزمندگان در زمان مخاصمات مسلحانه را می‌توان به استناد آیات و روایات به دو دلیل عام و خاص متذکر شد:

أ. دلیل عام بر محدودیت عملیات نظامی به رزمندگان: آیه شریفه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره: ۱۹۰) مهم‌ترین دلیل عام در ممنوعیت حمله به غیررزمندگان یعنی کسانی است که به هر دلیلی در جنگ مشارکت ندارند.

این آیه شریفه اصل را بر مقاتله و مبارزه با جنگجویان دشمن و آنهایی که با مسلمین نبرد می‌کنند قرار داده است. صاحب مجمع البیان در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد: «قتال» و «مقاتله» (مصدر قاتلوا و یقاتلونکم) به معنای تلاش کسی است برای کشتن دیگری که در صدد کشتن او است.» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۹) بنابر یک احتمال، مراد از «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» مقاتلین (نظامیان) و مراد از «وَلَا تَعْتَدُوا» نهی از کشتن غیرمقاتلین (غیرنظامیان) است. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸۷-۸۸) از این رو، این آیه مجاهدان را تنها به جنگ با مقاتلین و کشتن آنان امر می‌کند و از جنگ با غیرمقاتلین و کشتن آنان نهی می‌کند. (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۶: ۱۹۹) به عبارت دیگر، دستور این آیه جنگ فقط با افرادی از دشمن است که در میدان جنگ می‌جنگند، و منظور فقط لشکریان، نیروهای آماده جنگ و پشتیبانی‌کننده است. اما دستور آیه شامل کسانی که دست به سلاح نبرده و هرگز علیه مسلمین اقدامی نکرده‌اند نمی‌شود. به عبارتی، کسانی که حالت‌شان حالت نظامی و سربازی نیست، مثل پیرمردها، پیرزن‌ها بلکه زن‌ها مطلقاً - چه پیرزن و چه غیرپیرزن - و بچه‌ها، متعرض اینها نباید شد. (ر.ک. مطهری، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۸)

نکته قابل استناد دیگر در این راستا گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به یکی از فرماندهان لشکر اسلام به نام معقل بن قیس ریاحی است، که این چنین فرمود: «از خدا بترس... جز با کسی که با تو پیکار می‌کند پیکار نکن.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۹۳)

گرچه در کتب فقهی شیعه به این گفتار آن حضرت به‌عنوان یک مستند توجه چندانی نشده است، می‌توان اصل مصونیت غیرنظامیان در جنگ - مانند شهروندان عادی و حتی کسانی که در جبهه جنگ حضور دارند ولی کار مطبوعاتی می‌کنند و نیز کسانی که کاری مربوط به تقویت بنیه نظامی دشمن انجام نمی‌دهند - را از این نامه امام علی علیه السلام به خوبی استنباط کرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹)

ب. دلیل خاص بر محدودیت عملیات نظامی به رزمندگان: دلیل خاص، راجع به محدود بودن عملیات نظامی صرفاً علیه نظامیان و مصونیت غیرنظامیان در سرزمین دشمن، مستند به روایاتی است که بیشتر فقیهان بر آن تأکید دارند.

فقیهان اسلامی - اعم از شیعه و سنی - یک قاعده کلی و جامع فقهی تأسیس کرده‌اند که براساس این قاعده فقهی، جز کسانی که در جنگ مشارکت نموده‌اند کسی در جنگ کشته نمی‌شود: «لا یقتل غیر الا قتال: غیرقاتل کشته نمی‌شود.» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۲۹)

این قاعده فقهی نشان می‌دهد که فقیهان اسلامی اصل حمایت از افراد غیرنظامی را به اجماع و اتفاق مورد تأکید قرار داده‌اند، به طوری که آیت‌الله محمدحسن نجفی - صاحب جواهر - در این باره می‌گوید: کسی از فقیهان را سراغ ندارم که با این مسئله مخالف باشد. (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۷۳-۷۴)

در واقع، نهی از کشتن غیرنظامیان یا ممنوعیت جنگ با غیرجنگجویان تأکید بر مصونیت آدمی و بقا و محفوظ ماندن آنان است، چون خداوند نابودی آفریدگان را اراده نکرده و آنان را برای کشته شدن نیافریده است و تنها در صورتی که زبانی به بار آورند، کشتن آنان را مباح گردانیده است؛ این کشتن کیفر آنها نیست، زیرا سرای دنیا سرای مجازات نیست، بلکه جای مجازات آخرت است، مسئله‌ای که مورد اتفاق همه ادیان آسمانی بوده، از اصول کلی و مشترک میان همه آنان به‌شمار می‌رود. آنچه موجب مباح شدن قتل دشمن پیکار جو می‌گردد جنگجویی اوست، که باید خطرش را دفع کرد. بنابراین، کسی که نمی‌جنگد بر اصل مصونیت نخستین باقی می‌ماند و به طور کل، خون او مصون است. (الزحیلی، ۲۰۰۵م: ۴۵۱)

در صدر اسلام نیز، مسلمانان جز با کسانی که با آنها سر جنگ داشتند نهنجیده‌اند. رسول خدا ﷺ در این باره دستوراتی را صادر نمود و جنگ با آنها را تجویز نفرمود، چنان‌که امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده است:

هرگاه رسول خدا ﷺ تصمیم می‌گرفت کسانی را برای جنگ اعزام کند به آنها می‌فرمود: «به نام خدا و برای خدا و براساس مشی و روش رسول خدا حرکت کنید،

زیاده روی نکنید، کشتگان را مثله نکنید، غدر و نامردی نکنید و پیرمردان، کودکان و زنان را به قتل نرسانید.» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ۵۹)

### ۲-۳. ممنوعیت استفاده از سلاح‌های ایجادکننده رنج و آسیب غیرلازم

یکی دیگر از قواعد اساسی ناظر بر ابزارهای جنگی اصل ممنوعیت کاربرد تسلیحاتی است که باعث آسیب بیش از اندازه و یا درد و رنج غیرضروری می‌شوند.

از آنجاکه برخی ابزارهای جنگی به هر کس اصابت کند موجب مرگ حتمی او همراه با درد و عذاب جانگداز می‌شود - برخلاف سایر گلوله‌ها که فقط دشمن را از صحنه نبرد می‌تاراند -، این‌گونه سلاح‌ها چون سبب عذاب الیم و رنج غیرضروری می‌شوند که به سختی قابل مداوا می‌باشند، در زمره ممنوعیت‌ها قرار می‌گیرند.

در دیباچه اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ اشاره شده که استفاده از سلاح‌هایی که موجب تشدید درد و رنج غیرضروری افراد ناتوان یا، به طور اجتناب‌ناپذیر، سبب مرگ آنها شود، مغایر با حقوق انسانی است. در راستای اصل مذکور، در اعلامیه فوق، آنچه عنصر کلیدی آن را تشکیل می‌دهد ممنوعیت کاربرد تسلیحاتی است که تشدید رنج‌های بیهوده و غیرضروری را سبب می‌شود. پس، چون این رنج‌ها به طور طبیعی و غالباً به صورت اجتناب‌ناپذیر، نتیجه استفاده از تسلیحات است، اگر چنانچه دولتی به این عمل مبادرت ورزد، عملی نامشروع و غیرقانونی انجام داده است. (Boothby, op. cit: 55-56) در واقع، آنچه مفهوم اساسی این اعلامیه را تشکیل می‌دهد عبارت «بازگرداندن رزمندگان دشمن به خارج از میدان مبارزه کافی است»<sup>۱</sup> می‌باشد. (Dinstein, op.cit: 58) این قاعده، سپس، در بند «ه» ماده ۲۳ کنوانسیون ناظر بر حقوق و عرف جنگ زمینی لاهه ۱۹۰۷ به این صورت آمده است: «استفاده از اسلحه، موشک پرتاب‌شونده یا هر ماده‌ای که موجب آسیب غیرضروری شود» ممنوع است.

گام‌های بعدی ممنوعیت ابزارهای جنگی‌ای که سبب آسیب شدید و غیرضروری می‌شوند با پروتکل ۱۹۲۵ راجع به گازهای سمی و آنگاه در کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک

1. It is sufficient to render enemy combatants hors de combat.

۱۹۷۲ برداشته شد. آنگاه، بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی تکمیل‌کننده این اصل گردید و چنین مقرر نمود: «به کاربردن سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها، و مواد و شیوه‌های جنگی از نوعی که منجر به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری می‌شوند، ممنوع می‌باشند.»

یکی از امتیازهای اساسی اسلام در حوزه جهاد آن است که وقتی قرآن کریم مجوز پیکار مسلحانه را برای مسلمانان صادر نمود (حج: ۳۹-۴۰)، آن را بلافاصله محدود کرده است (بقره: ۱۹۰)، یعنی منازعه باید حتماً صورت حفاظت از خویشان و یا دفاع مشروع داشته باشد و به صورتی شایسته و طبق شریعت خداوند صورت گیرد (بوآزار، ۱۳۶۲: ۲۰۳).

به بیان دیگر، وقتی مسلمانان، بنابر فرمان الهی، برای دفاع مشروع، ناگزیر از شدت عمل با اسلحه شدند و اجازه یافتند اسلحه به دست گرفته، تهاجم دشمنان را دفع کنند و از تجاوز آنها جلوگیری نمایند، خداوند منان رفتار مطلق و بی‌قید و شرط را جایز ندانسته بلکه در هر حال، رعایت آنچه را که کرامت انسان اقتضا دارد الزامی شمرده است. چرا که ماهیت جهاد در اسلام انتقام و خشونت، کشتار یا تخریب نیست بلکه کوششی است برای امحای بی‌انصافی و ظلم، دفع تجاوز، و نجات انسان‌ها از گمراهی و غفلت. این مفهوم، به‌ضرورت، موجب محدودیت‌هایی بسیار صریح در اجرای عملیات جنگی می‌شود. این معنی خود از مفهوم عالی انسان به‌نفسه و نیز از احترامی که باید به آدمی - این مخلوق خداوند - قائل شد، سرچشمه می‌گیرد. (همان: ۲۲۹) از جمله محدودیت‌های در نظر گرفته شده منع کاربرد سلاح‌هایی است که درد و رنج غیرلازم ایجاد می‌کنند، زیرا دسته‌ای از ابزارهای جنگی هستند که استفاده از آنها در میدانی نبرد تنها سبب این نیست که رزمنده را از صحنه نبرد خارج کند بلکه سبب مرگ او با درد و عذاب جانگداز است یا سبب دردی است که به سختی قابل مداوا باشد. بر این اساس، اسلام به‌کارگیری این قبیل سلاح‌ها را ممنوع نموده است.

ممکن است گفته شود: سلاح‌هایی با چنین خصیصه‌ای خاص سلاح‌های کشتار جمعی است که کشتار بی‌رویه و غیرضروری را به همراه دارد، حال آنکه در صدر اسلام این چنین سلاحی وجود نداشته است که بتوان چنین قاعده‌ای را از منابع دینی استخراج کرد؟

در تأیید و پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: درست است؛ سلاح‌هایی که در آن زمان به‌کار می‌رفته‌اند و اجد خصوصیتی نبوده که بتوان بر آنها سلاح کشتار جمعی اطلاق کرد و آن سلاح‌ها جراحات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر و غیرلازمی که افزون بر ازکارانداختن نیروی جنگی دشمن باشد وارد نمی‌کرده‌اند، اما در این میان، سلاح‌هایی وجود داشته که می‌توان آنها را نمونه‌ای کوچک از سلاح‌های کشتار جمعی دانست، و آن سم است. در آن عصر، استفاده از سم و سلاح سمی امری رایج بوده که متخصصین به‌منظور به‌زانو درآوردن طرف مقابل از آن استفاده می‌کردند، زیرا «اثر اولیه سم و سلاح سمی مسمومیت و خفگی است. از این رو، آلوده کردن سلاح‌ها با سم باعث مرگ تدریجی توأم با رنج قربانی و حتی مانع بهبودی جراحات ناشی از تیرهای آلوده می‌شد.» (Henckaerts and Doswald-Beck, )

2005: 253

اگرچه سلاح‌های کشتار جمعی در نظر فقیهان صدر اسلام اهمیت چندانی نداشته، زیرا این مقوله برای آنها ناشناخته بوده است، اما این موضوع سبب نشده که این مسئله از نگاه تیزبین فقیهان اسلامی پنهان بماند، چنان‌که خلیل المالکی - در رساله‌ای که در باب جهاد تألیف کرده - تقریر نمود: استفاده از نیزه‌های زهرآلود حرام است. از این رو، بر هر رزمنده‌ای ممنوع است از اینکه سلاحی را به دست گیرد که جراحات و آسیب بیش از آنچه که در جنگ ضروری است بر دشمن خود وارد سازد. (حمیدالله، ۱۳۸۶: ۲۳۵) لذا، به‌کاربردن نیزه‌های سمی، که معرف سنخ ابزار نظامی آن عصر بود، ممنوع گردید، زیرا چنان نیزه‌هایی رنج و جراحات غیرموجهی بر قربانی وارد می‌ساخت. (Mohaghegh Damad, op.cit: 399-400)

فقیه نامور شیعه محمدحسن نجفی نیز، به‌صراحت، از ممنوعیت کاربرد سم در جنگ سخن گفته است. (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۶۷) ایشان، ضمن بیان نظر موافق بعضی دیگر از فقیهان، به روایتی از امام علی علیه السلام استناد نموده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه در سرزمین مشرکان سم پاشیده شود، نهی فرمود.» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۲۸)

علاوه بر آن، در روایتی نیز احسان در قتل بسیار مورد سفارش قرار گرفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز ائمه علیهم السلام در مورد افرادی که قتل آنها واجب و ضروری است دستور داده‌اند به

شخص واجب‌القتل احسان کنید و کشتن را نیکو انجام دهید: «امرٌ لِلرَّسُولِ أَنْ يَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ فَقَالَ إِذَا قَاتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ؛ رسول خدا ﷺ دستور داده است عمل کشتن را نیکو انجام دهید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۳۳۷)

مقصود از کشتن نیکو در روایات دیگر معنا شده است: هرگونه کاری که در سرعت و راحت‌تر کشته شدن نقش دارد احسان در قتل است. (رحمانی، ۱۳۸۶: ۲۶۹)

بنابراین، به‌کارگیری تسلیحاتی که ماهیتاً ایجادکننده آسیب‌های بیش از حد بوده، به صورت بی‌فایده و بیهوده، درد و رنج انسان‌ها را شدت می‌دهد و، آنگاه، مرگ تدریجی را موجب می‌شود، تعدی در قتل شمرده می‌شود و ممنوع است.

شاید گفته شود: اگر قرار باشد در کاربرد سلاح انسان‌دوستانه عمل کرد، پس، مراد از «غلظه» در قرآن کریم چیست؟

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: مراد از «غلظه» در آیه شریفه «وَلْيُجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه: ۱۲۳) و نیز در آیه شریفه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۷۳) خشونت و سنگدلی، شکنجه دادن و تعدی، و استفاده از شیوه‌های ناهنجار و غیرمتناسب با کرامت انسانی نیست، زیرا این معنا با هیچ‌یک از اصول دین سازگار نیست و معارف اسلامی آن اقدام‌ها را مذمت و تقبیح کرده‌اند و آیات مربوط به جهاد (بقره: ۱۹۰-۱۹۵) نیز از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده است. لذا، منظور از غلظت قاطعیت در اجرای مقررات و دخالت ندادن احساسات در انجام مسئولیت‌ها و سهل‌انگاری نکردن در ایفای تعهدات است.

در جایی که اسلام در مورد جانداران توصیه می‌کند و ترحم بر حیوانات را مد نظر قرار می‌دهد و از شکار حیوانات به قصد تفریح نهی می‌کند و از پوست‌کندن حیوان ذبح‌شده قبل از جان‌دادنش ممانعت می‌نماید و قطع اندام حیوان را جز برای معالجه تجویز نمی‌کند، چگونه می‌توان تصور کرد که با تعبیر غلظت به شکنجه، خشونت، بی‌حرمتی به کرامت انسان و عملیات ضدانسانی امر کرده باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۵۵-۵۶)

## ۲-۴. منع کاربرد سلاح‌های ایجادکننده خسارت به محیط زیست

حفاظت از محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه، تا سال‌های پیش از ۱۹۷۶، به طور مستقیم، کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، زیرا تمرکز عمده در تدوین قواعد و مقررات حوزه مخاصمات مسلحانه به حمایت از رزمندگان در جنگ و مجروحان جنگی و غیرنظامیان (شهروندان) محدود بود. اما رویه شدن تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه و عدم توجه کشورها در حفظ این منبع مهم حیات سبب شد تا قواعد و مقررات صریحی در ارتباط با حمایت از محیط زیست در طول درگیری‌های مسلحانه تدوین شود. بدین منظور، در ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶، دولت‌ها اولین معاهده خاص راجع به حفاظت از محیط زیست در برابر تهاجم نظامی را با عنوان «کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا سایر اقدامات خصمانه تکنیک‌های تغییر محیط زیست (موسوم به کنوانسیون اینمُد)» به تصویب رساندند. گرچه ایند نخستین کنوانسیون بود که مقررات حفاظتی ویژه‌ای در ارتباط با محیط زیست به وجود آورد، طولی نکشید که پروتکل ۱۹۷۷ پیشرفت قابل توجهی در رابطه با حفاظت زیست محیطی در طول جنگ را نوید داد. این پروتکل دو هدف مهم درباره حفاظت از محیط زیست را منعکس کرد (Kiss and Shelton, 2004: 734):

أ. محافظت از خود محیط زیست که در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل آمده است:

به کاربردن شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و درازمدت بر محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد ممنوع است.

ب. محافظت از جمعیت انسانی به واسطه آسیب زیست محیطی که در ماده ۵۵ آمده

است، که در واقع، تکرار متن فوق است:

در هنگام جنگ، می‌بایست مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، درازمدت و شدید حفاظت به عمل آید. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و، در نتیجه، به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند.

ملاحظه می‌شود که بعد از تصویب پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو بود که حمایت ویژه از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه وارد مرحله نوین و جدی‌تر شد. اما وقتی به متقن‌ترین منابع اسلام - یعنی قرآن کریم - مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اسلام چهارده قرن قبل از صدور اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی، دستورهای جامعی در حمایت و حفاظت از محیط زیست صادر نموده است.

برخی از احکام و مقررات حامی محیط زیست از منظر اسلام عبارت است از (ر.ک. عمید زنجانی، ج ۶: ۵۳-۵۸):

ا. عدم اقدام به جنگ با انگیزه نفسانی و مقاصد دنیوی، به قصد صرفاً خونریزی، کشتار یا تخریب

ب. عدم آغاز به جنگ بدون توجه فرماندهان و نیروهای رزمنده و هشدار نسبت به اعمال ممنوعه

ج. نهی از کندن و بریدن درختان، مگر در حال اضطرار یا آنجا که مصلحت عمومی ایجاب می‌کند

د. نهی از منهدم نمودن ابنیه و اقدام به ویرانگری در آبادی‌ها و شهرها

و. نهی از سوزاندن نخل‌ها و، به طور مطلق، آتش زدن باغ‌ها، کشتزارها، مزارع و محصولات کشاورزی<sup>۱</sup>

ز. عدم استفاده از سموم و سلاح‌های سمی که موجب مسمومیت هوا و یا آب و به هر نحو دیگری که مسمومیت نیروها را به دنبال داشته باشد.

قرآن، به‌عنوان اولین منبع حقوقی اسلام، برای محیط زیست اهمیت زیادی قائل شده و در بسیاری از آیات به آن تأکید نموده است، چنان‌که در یکی از آیات آمده است: کسی که بدون نیاز و ضرورت اقدام به تخریب یا نابودی محیط زیست نماید از جمله مفسدان خواهد بود:

۱. پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا الشجره المثمرة و لا تحرقوا ذرعاً؛ نخل‌ها را نسوزانید، با آب غرق‌شان نکنید، درختان ثمردار را قطع نکنید و مزارع را آتش نزنید.» (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ص ۲۹)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ  
(بقره: ۲۰۵).

و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد.

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد:

«حرث» به معنی زراعت و «نسل» به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیرانسان اطلاق می‌شود. بنابراین، هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۴-۷۵)

و علامه طباطبایی می‌نویسد:

از ظاهر عبارت «وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» برمی‌آید که می‌خواهد جمله قبلی یعنی فساد در زمین را بیان کند و بفرماید فساد و افسادش به این است که حرث و نسل را نابود کند، و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده، برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است: اگر غذا نخورد، می‌میرد و اگر تولید و مثل نکند، نسلش قطع می‌شود. و انسان در تأمین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است، چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی، و حیوان هم در زندگی و نموش به نبات نیازمند است. پس، حرث که همان نبات باشد اصل در زندگی بشر است، و بدین جهت، فساد در زمین را با اهلاك حرث و نسل بیان کرد. پس، معنای این آیه این شد که او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین فساد می‌انگیزد و در نابودی انسان می‌کوشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۴۴)

### نتیجه‌گیری

هرچند قرآن کریم مسلمانان را امر به قوی شدن در مقابل دشمنان نموده و فرمان داده است که برای بازدارندگی از هجوم دشمنان به کارآمدترین وسایل دفاعی روز مجهز شوند، نگاهی به سایر آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم ﷺ نشان می‌دهد که منظور از این تجهیز مجهز شدن به ابزار متعارف دفاعی است، نه مجهز شدن به سلاح‌های کشتار جمعی، زیرا تولید و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی مغایر با اهداف عالی انسانی اسلام است و نیز تعدی و

افراط در جنگ، به خصوص در حمله به افراد و غیرنظامی‌ای که نقشی در جنگ ندارند، شمرده می‌شود.

مقایسه کنوانسیون‌های بشردوستانه با آموزه‌های اخلاقی و انسانی در فقه اسلامی - که از قرآن و سنت نشئت گرفته است - نشان می‌دهد:

اولاً، از آنجاکه این قواعد دارای ویژگی‌هایی چون الهی و وحیانی بودن، جامع و کامل بودن، و انسجام و هماهنگی است، از استحکام و برتری بالایی نسبت به حقوق بشردوستانه معاصر برخوردار است. از این‌رو، در اسلام، مراعات آن قواعد و مقررات در منازعات مسلحانه ضروری بوده، در هر زمان و مکان، لازم‌الاتباع است و تخلف از آن تعدی از حدود الهی شمرده می‌شود.

ثانیاً، آن‌چیزی که در کنوانسیون‌های لاهه، ژنو و پروتکل‌های الحاقی راجع به شیوه‌ها و وسایل جنگی ارائه شد، اسلام سختگیرانه‌تر و شدیدتر از آنها را بیان کرده است. برای نمونه، آیه ۱۹۰ سوره بقره بسیار مترقیانه‌تر از شرط معروف به مارتنس است که در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ است. توجه شود که این قواعد با کنوانسیون‌های مذکور حدود سیزده قرن فاصله دارد و در زمانی این قواعد وضع شد که ویرانگری و وحشی‌گری و مثله کردن اجساد و نیز رفتار تحقیرآمیز با افراد دشمن امر عادی زمان جنگ شمرده می‌شد، زمانی که تفکیکی بین رزمنده و غیررزمنده وجود نداشت و حمایت از زنان، کودکان، سالخورده‌گان و بیماران معنا نداشت. اما کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ زمانی نوشته شد که جنگ تقبیح شده بود و افکار عمومی به شدت از آن انزجار داشت.

ثالثاً، اگرچه موارد اشاره‌شده در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها درباره شیوه‌ها و وسایل جنگی قابل تقدیر است، ولی تأکیدی را که بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول درباره انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی ارائه می‌کند، به صراحت، ممنوعیتی را در بر ندارد و طرفین مخاصمه را به حد معینی محدود نمی‌کند، بلکه فقط بیان می‌کند که حق انتخاب نامحدود نیست، یعنی بیشتر جنبه پندگونه و نصیحت‌آمیز دارد تا یک تعهد الزام‌آور که طرفین را متعهد به آن سازد. اما قاعده اساسی در دیدگاه اسلامی در این خصوص پند و اندرز نیست، بلکه ممنوعیتی معین

و سختگیرانه‌تر است که بر پرهیز از تجاوز از حدود و مقررات تأکید دارد و در چندین آیه از قرآن کریم به صورت اوامر هشداردهنده آن را یادآوری می‌کند. برای نمونه، آنجا که می‌فرماید: هرگز نباید از حدود عدالت و انصاف در استیفای حقوق حقه تجاوز کرد و به راه ستمگری و استبداد افتاد (ر.ک. بقره: ۱۹۰)، در واقع، دلالت بر محدودیت‌های مشخص، معین و تعریف‌شده دارد.

رابعاً، اسلام تأکید دارد که در منازعات مسلحانه باید از سلاح‌های هوشمند استفاده شود، یعنی سلاح‌هایی که دارای قابلیت تفکیک و تمایز باشند و بتوان با آن سلاح‌ها تجهیزات و رزمندگان را با حداقل صدمات جانبی از کار انداخت یا ناتوان ساخت. بنابراین، سلاح‌هایی که امکان هدف‌گیری به سوی هدف نظامی مشخصی را برآورده نمی‌کنند، و نیز امکان محدود کردن تأثیرات آنها وجود ندارد نباید استفاده شود.

در ضمن، در ارتباط با برخی از مواد پروتکل، اسلام به‌صراحت به آنها نپرداخته است. دلیل آن نیز روشن و بدیهی است: برخی از موارد اشاره‌شده در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها مربوط به جوامع عصر حاضر است و در آن عصر، چنین چیزی وجود نداشت و برای مسلمین آن زمان ناشناخته بود. اما این به‌منزله آن نیست که اسلام در این باره سکوت اختیار کرده است و سخنی ندارد، بلکه یکی از مهم‌ترین منبع فقهِ اسلام، یعنی اصل اجتهاد - که استفاده از منتهای کوشش و تلاش در استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبره شرعیه است - پاسخگوی نیاز زمان می‌باشد. بنا به گفته استاد شهید مرتضی مطهری، فقهِ اسلامی جوابگوی مسائل جدید هر دوره است. این تنها مربوط به زمان ما نمی‌شود، بلکه از آغاز طلوع اسلام تا قرن هفتم و هشتم که تمدن اسلامی در حال توسعه بود و هر روز مسائل جدید خلق می‌کرد، فقهِ اسلامی بدون استمداد از هیچ منبع دیگر وظیفه خطیر خویش را انجام داده است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۴) بنابراین، پویایی اصل اجتهاد در اسلام - که به‌عنوان یکی از منابع اصیل فقهِ اسلامی از آن یاد می‌شود - پاسخگوی نیاز زمان است و مجتهدان راه هرگونه بن‌بستی را می‌گشایند و موارد عصر حاضر را با نظام حقوقی اسلام تطبیق داده و پاسخ می‌دهند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه [۱۳۷۹]. ترجمه محمد دشتی، تهران، مشهور].

بوآزار، مارسل (۱۳۶۲). انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران، طوس.

تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۶). قوانین و مقررات جنگ و صلح در اسلام، قم، زمزم هدایت.  
جعفری، سید اصغر (۱۳۹۴). تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۲ق). الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

حمیدالله، محمد (۱۳۸۶). سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی.

رحمانی، محمد (۱۳۸۶). «نقش اصول و قواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران، جمعیت هلال احمر.

روسو، شارل (۱۳۷۴)، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیدعلی هنجنی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.

الزحیلی، وهبه (ژوئن ۲۰۰۵م). «اسلام و حقوق بشردوستانه»، مجله بین‌المللی صلیب سرخ، ش ۸۵۸.

شیبانی، محمدبن حسن (۱۹۷۵م). السیر الصغیر، بیروت، الدار المتحدہ للنشر.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، گنج دانش.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). تفسیر مجمع البیان، ترجمه هاشم رسولی، تهران، فراهانی.  
عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). فقه سیاسی [ج ۵]: حقوق و قواعد مخاصمات مسلحانه در

حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین الملل اسلام، تهران، امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). فقه سیاسی [ج ۶]: اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه، تهران، امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، تهران، مجد.

قطب الدین راوندی، سعیدبن عبدالله (۱۴۰۵). فقه القرآن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۸). اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۵). نقش زور در روابط بین الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه دار احیاء التراث العربی.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشر دوستانه بین المللی، رهیافت اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). اسلام و مقتضیات زمان [ج ۱]، قم، صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). جهاد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۷). حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه امیرحسین رنجیریان، تهران، دادگستر.

ممتاز، جمشید و فریده شایگان (۱۳۹۳). حقوق بشردوستانه بین المللی در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر، تهران، موسسه حقوقی شهر دانش.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

Bledsoe, Robert L. and Boczek, Boleslaw A (1987), *The International Law Dictionary*, ABC-CLIO, Santa Barbara California, Oxford, England.

Boothby, William H. (2009). *Weapons and The Law of Armed Conflict*, New York, Oxford University Press.

Convention of 10 April 1972 on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction Biological Weapons convention (BWC).

Convention of 13 January 1993 on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling

- and Use of Chemical Weapons and on their Destruction. (CWC)
- Convention on Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques, (ENMOD).
- Dinstin, Yoram (2004), *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*, Cambridge University Press.
- Fleck, Dieter (2009), *The Handbook of International Humanitarian Law*, Oxford, Oxford University press.
- Geneva Convention I for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field (1949).
- Geneva Convention II for the Amelioration of the Condition of the Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea (1949).
- Geneva Convention III Concerning the Treatment of Prisoners of War (1949).
- Geneva Convention IV Concerning the Protection of Civilian Persons in Time of War (1949).
- Geneva Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases and of Bacteriological Methods of Warfare, (1925).
- Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land (1907), and Annex to the Convention : Regulations Concerning the Law and Customs of War on Land.
- Hamid, Sultan (1988), *Islamic Conception of Humanitarian Law*, in International Dimensions of Humanitarian Law, Geneva, Henry Dunant institute.
- Henckaerts, Jean- Marie and Doswald-Beck, Louise (2005), *Customary International Humanitarian Law*, Cambridge, the United Kingdom at the University Press.
- ICRC (2004), *What is International Humanitarian Law?*, [www.icrc.org/eng/assets/07/2004](http://www.icrc.org/eng/assets/07/2004).
- Kiss, Alexander and Shelton, Dinah (2004), *International Environmental Law*, New York, Transnational Publishers , Inc.
- Mohagheh Damad, S. Mostafa(2005), *Protection of Individuals in Armed Conflict under International and Islamic Laws*, New York, Global Scholarly publications.
- Protocol of 8 June 1977 Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Concerning the Protection of Victims of International Armed Conflicts (AP I).
- Protocol of 8 June 1977 Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Concerning the Protection of Victims of Non- International Armed Conflicts (AP II).
- St Petersburg Declaration Renouncing the use, in time of war, of Explosive Projectiles under 400 Grammes weight, 1868.